

دور از فرایندهای اجتماعی-سیاسی خاورمیانه بدانیم.

انقلاب ۲۳ جولای؛ درسها و دستاوردها

به هر حال، کتاب مورد بررسی همان گونه که اشاره شد از آثار ارزشمند تاریخ کارگری و کشاورزی خاورمیانه می باشد که با استفاده از اندیشه های شرق شناسان تنظیم شده است. کتاب کاملاً استنادی بوده و با سبک نوین تاریخ نویسی تنظیم و گردآوری شده است. این کتاب در سنجش با کتابهایی که صرفاً تاریخ انقلابهای کارگری در خاورمیانه را به سبکی مارکسیستی بررسی می کنند، تفاوت دارد و با بی نظری و دآوری این پرسیمان بنیانی را به تحلیل می کشاند.

احمد بیضون و آخرون، ثورة ۲۳ يوليو؛ حصيلة و دروس، بیروت: مرکز دراسات الوحدة العربية، سبتمبر ۲۰۰۲، ۱۵۰ صفحه.

عبدالرضا همدانی

کارشناس مرکز پژوهشهای علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه

مرکز مطالعات وحدت عربی در دهم جولای ۲۰۰۱، همایشی را به مناسبت سپری شدن نیم قرن از انقلاب ۲۳ جولای توسط افسران آزاد در کشور مصر برگزار کرد. در این همایش که در مقر این مرکز واقع در شهر بیروت برپا شد، تعدادی از نخبگان فکری و برخی از دولتمردان دوران جمال عبدالناصر، رئیس جمهور فقید مصر، شرکت کردند و به بحث و بررسی درباره مسایل مرتبط با پیروزی این انقلاب و تحولات آن، دستاوردهای مختلف اقتصادی و سیاسی این انقلاب از جمله استقلال ملی، توزیع عادلانه ثروت، مبارزه علیه استعمار و صهیونیسم و تلاش در راه وحدت جهان عرب پرداختند. این همایش دارای سه محور اصلی بود که

عبارتند از: الف. چارچوب انقلاب و برنامه های آن؛ ب. بازنگری تجربه انقلاب؛ و ج. آینده و اهداف انقلاب.

شایان ذکر است که مرکز مطالعات وحدت عربی وقایع این همایش را در کتابی تحت عنوان «انقلاب ۲۳ جولای؛ درسها و دستاوردها» به چاپ رسانده است.

در ارتباط با چارچوب انقلاب افسران آزاد و علل قیام، جمیل مطر، مدیر مرکز تحقیقات توسعه عربی از کشور مصر، عواملی نظیر ناتوانی نظام حزبی، بالا گرفتن خشونت‌های سیاسی و قلع و قمع دستگاه حاکمه، افزایش حضور فرزندان طبقه متوسط در ارتش، شکست مصر و اعراب در جنگ ۱۹۴۸ علیه اسرائیل و تجربه کودتای نظامی در سوریه را مهمترین علل قیام جمال عبدالناصر و افسران آزاد و رویداد انقلاب ۲۳ جولای برشمرد. در ارتباط با این مسئله که چرا به حرکت افسران آزاد، انقلاب گفته می‌شود و نه کودتا، خیرالدین حسیب، مدیر مرکز مطالعات وحدت عربی، اظهار داشت که «تفاوت میان کودتا و انقلاب در این است که در کودتا تنها افرادی که قدرت را در دست دارند جابه جا می‌شوند، در حالی که

در انقلاب دگرگونی عمیق اجتماعی و سیاسی به وجود می‌آید و به همین دلیل نیز حرکت ۲۳ جولای افسران آزاد، انقلاب است و نه کودتا، زیرا منجر به فروپاشی نظام پادشاهی و برقراری نظام جمهوری شد.»

در رابطه با مسئله میزان آمادگی انقلابیها برای اداره حکومت و اینکه آیا افسران آزاد برنامه سیاسی آماده‌ای برای اجرای آن از بدو پیروزی انقلاب ۲۳ جولای داشته‌اند یا خیر، محمد فائق، دبیرکل سازمان عربی حقوق بشر از کشور مصر، اظهار داشت که «انقلاب ۲۳ جولای اهدافی کلی و خواستهایی مشخص داشت، اما دارای برنامه‌ای از پیش تعیین شده نبود و به همین دلیل نیز اگرچه جمال عبدالناصر از شیوه «آزمون و خطا» استفاده می‌کرد، هرگز اصل عدالت اجتماعی را فراموش نکرد و به آن پایبند ماند.»

رابطه متقابل انقلاب جولای و جنبش اخوان المسلمین از دیگر مسائلی بود که در این همایش مطرح شد و کلیه شرکت‌کنندگان متفق القول بودند که تشنه‌ایی میان افسران آزاد و اخوان المسلمین وجود داشته است. در این میان،

محمد جمال باروت، نویسنده سوری، تأکید کرد که یکی از دلایل بروز اختلافهای سیاسی میان انقلابیون و اخوانیها، مسئله تعیین بعضی از آنان در پستهای کلیدی بود که با مخالفت افسران آزاد مواجه شد. ضمن اینکه انقلابیون نمی خواستند با اخوانیها در چالش و نزاع باشند بلکه این حسن الهضیبی، رهبر اخوان المسلمین، بود که تلاش می کرد شورای فرماندهی انقلاب را به کنترل خود درآورد و قیم افسران آزاد شود.

علل توجه انقلاب ۲۳ جولای به ملی گرایی از دیگر موضوعات مطرح شده در این جلسه بود. به نظر گروهی از حاضران، ملی گرایی و حتی پان عربیسم، ربطی به این انقلاب و افکار جمال عبدالناصر ندارد، زیرا مسئله ملی گرایی در دوران حکومت ابراهیم پاشا و سپس در روزگار اوج گیری حزب الوفد مصر در این کشور مطرح بوده است و تأسیس اتحادیه عرب به عنوان مظهر پان عربیسم نیز قبل از به قدرت رسیدن عبدالناصر به وقوع پیوسته بود. اما آنچه که باعث شد تا عبدالناصر نیز همین انگاره ها را در سطحی گسترده تر مطرح سازد، عوامل منطقه ای بود و نه مشکلات داخلی. در این رابطه، هلال

خشان، استاد علوم سیاسی دانشگاه آمریکایی بیروت، به مسئله منازعات تاریخی حکومتهای «بین النهرین» و «وادی نیل» اشاره می کند و معتقد است که تشکیل «پیمان بغداد» و احساس رقابت شدید عراق برای رهبری جهان عرب از سوی عبدالناصر از مهمترین عوامل تبلیغ پان عربیسم از سوی عبد الناصر بوده است. کمال الطویل، عضو کنفرانس ملی عربی، نیز در این زمینه ابراز می دارد که توجه به مسئله ملی گرایی در نزد عبدالناصر به دلیل آگاهی وی از خطر صهیونیسم، به ویژه پس از بمباران غزه از سوی اسرائیل در سال ۱۹۵۵ بوده است.»

توسعه اقتصادی مصر با استفاده از الگوی سوسیالیستی، دیگر موضوع مطرح شده در این همایش بود. مشارکت کنندگان با تأکید بر اینکه انقلاب در نظر داشت فاصله طبقاتی را از میان بردارد و مانع از ورود سرمایه داران به قدرت سیاسی شود، به مسئله عدم پاسخگویی اقتصاد آزاد جهانی به فراخوان مصر برای سرمایه گذاری در این کشور نیز اشاره کردند. معن بشور، معاون دبیرکل کنفرانس ملی عربی از کشور لبنان، یکی از ویژگیهای الگوی سوسیالیستی

عبدالناصر را استفاده از تجربه تیتو، رییس جمهور پیشین یوگسلاوی، دانست زیرا برنامه اقتصادی تیتو هم توسعه ای سوسیالیستی بود و هم مستقل از اتحاد جماهیر شوروی قلمداد می شد.

حمایت عبدالناصر از مسئله فلسطین موضوع دیگر این همایش بود. عبدالاله بلقزیز، اسناد فلسفه در دانشگاه حسن دوم در مغرب، با اشاره به اینکه جمال عبدالناصر به دنبال تحقق موازنه ای میان اصل حمایت از قضیه فلسطین و تاکتیک رویارویی با اسرائیل بود، تصریح کرد که عبدالناصر در این زمینه دچار دوگانگی شخصیت شده بود، زیرا از سویی همچون یک فرد انقلابی تلاش داشت تا اصول و ارزشها را پاس بدارد و از سوی دیگر به دنبال آن بود که همچون یک دولتمرد پراگماتیست عمل کند. از همین رو از مقاومت مسلحانه فلسطینیان حمایت می کند و با اسرائیل وارد جنگ می شود و در همان زمان قطعنامه ۲۴۲ را به رسمیت می شناسد و طرح راجرز را می پذیرد.

مسئله تردید عبدالناصر نسبت به تداوم وحدت مصر و سوریه نیز پرسش دیگری بود که در این همایش ارایه شد. عصام

نعمان، نماینده سابق مجلس لبنان، فاصله جغرافیایی مصر و سوریه، ویژگیهای متفاوت مصری ها و سوری ها و نیاز به ایجاد هم گرایی بیشتر به منظور تعیین یک استراتژی هدفمند را که منجر به فرماندهی ملی شود، مهمترین درسهایی دانست که عبدالناصر در مدت زمان اتحاد میان مصر و سوریه از آن بهره مند شد و در نتیجه موافقت کرد که این اتحاد برچیده شود. عبدالاله بلقزیز نیز با طرح این نکته که همواره از عبدالناصر خواسته شده است که از این اتحاد حمایت به عمل آورد، این پرسش را مطرح ساخت که چرا از ملت سوریه پرسیده نمی شود به چه دلیل از این اتحاد، حمایت لازم را به عمل نیاوردند.

مداخله نظامی مصر در یمن برای حمایت از گروههایی که خواهان برقراری نظام جمهوری در این کشور بودند نیز یکی از موارد مطرح شده در این همایش بود. محسن العینی، نخست وزیر سابق یمن، با اشاره به نقش برجسته مصر در استقرار نظام جمهوری در یمن، مداخله نظامی مصر در سپتامبر ۱۹۶۲ را نشان دهنده پیشرو بودن مصر در فرماندهی جهان عرب در دوران جمال

عبدالناصر دانست.

ائتلاف مصر و اتحاد جماهیر شوروی یکی از محورهای مهم این همایش بود که توسط تعدادی از مشارکت کنندگان مورد بحث و بررسی قرار گرفت. به نظر عصام نعمان، رابطه میان این دو کشور بدین دلیل برقرار شد که ایالات متحده به شکلی واضح از اسرائیل جانبداری می کرد و از اعطای اسلحه و وام به مصر خودداری می ورزید. ضمن اینکه روس ها با مصر همکاری کردند تا جنبش عدم تعهد شکل بگیرد و انواع سلاحها را در اختیار مصر قرار دادند.

در ارتباط با مسئله تأثیر انقلاب ۲۳ جولای بر جهان عرب، محمد البصری، نویسنده و اندیشمند مغربی، تصریح کرد که استقلال مغرب و به طور کلی غرب جهان عرب مدیون جمال عبدالناصر است؛ زیرا او با حمایت از مقاومت مردم این منطقه گام بسیار مؤثری را در استقلال این کشورها و خارج شدن کشورهایی همچون اسپانیا از این منطقه برداشت.

از دیگر سؤالات مطرح شده در این همایش، تداوم و یا توقف انقلاب ۲۳ جولای پس از مرگ جمال عبدالناصر بود. به عقیده

کمال الطویل و محسن العینی، انقلاب جولای با مرگ عبدالناصر در ماه سپتامبر ۱۹۷۰ پایان یافت، ولی خیرالدین حسیب با تمایز قایل شدن میان اهداف انقلاب و نظام حاکم، تأکید کرد که یکی از مهمترین دلایل تداوم انقلاب، علاقه مندی نسل جدید به عبدالناصر و اهداف او می باشد. عبدالاله بلقزیز نیز با ذکر این نکته که هیچ حکومتی بدون اتکاء به یک مشروعیت پیشینی نمی تواند ادامه یابد، اظهار داشت که «سادات تلاش کرد تا مشروعیت انقلاب جولای را از اذهان پاک کند، اما متوجه شد که مجبور است برای استمرار نظام مصر به مشروعیت انقلاب حتی به شکلی لفظی و صوری پایبندی نشان دهد.»

در ارتباط با کاریزمای عبدالناصر و علل آن، عصمان نعمان به پنج دلیل اصلی این کاریزما اشاره کرد که عبارتند از:

۱. شیوه خطاب سیاسی وی با مردم مصر؛
۲. دستاوردهای عبدالناصر؛
۳. رویارویی و استقامت در برابر استعمار غرب؛
۴. رهبری بزرگترین کشور عربی یعنی مصر؛
۵. توان هدایت و وجود ویژگیهای فرماندهی در شخصیت عبدالناصر.

نظام بین الملل در آن مقطع تاریخی، اقدامات جمال عبدالناصر همچون ملی کردن کانال سوئز، مشارکت فعال در تشکیل جنبش عدم تعهد، اصلاحات ارضی و تقویت جنبشهای استقلال طلبانه در شمال آفریقا را دستاوردهایی بسیار پر اهمیت توصیف کرد. وی تأکید کرد: «گرچه اندیشه اصلاحات ارضی و جنبشهای رهایی بخش پیش از انقلاب ۲۳ جولای نیز وجود داشت، کسی که این اندیشه ها را به فرجام رساند و اعمال کرد، کسی نبود جز جمال عبدالناصر.»

شکست در جنگ با اسرائیل در سال ۱۹۶۷ و اینکه آیا این شکست به دلیل ناتوانی نظامی بود و یا سوء مدیریت سیاسی، یکی دیگر از سؤالات این همایش بود. در ارتباط با این سؤال اغلب شرکت کنندگان متفق القول بودند که عدم اقدام عبدالناصر به تغییر کادر فرماندهی نظامی که ناتوانیش ثابت شده بود و اختیارات بیش از حد سرلشگر عبدالحکیم عامر در کنترل نیروی نظامی مصر از مهمترین عوامل این شکست بود. موضوع تعیین انور سادات به سمت معاون رییس جمهور نیز در این همایش به بحث گذاشته شد. به اعتقاد کمال الطویل، اطاعت کامل سادات از جمال عبدالناصر و روابط وی با پادشاهان عرب و دولتمردان آمریکایی، عبدالناصر را متقاعد کرد که می تواند با استفاده از وی هم از کمکهای غرب بهره مند شود و هم اتحاد جماهیر شوروی را وادار کند به نیازهای تسلیحاتی مصر سریعتر پاسخ دهد.

در جمع بندی موضوعات مطرح شده در این همایش و در ارتباط با دستاوردهای انقلاب ۲۳ جولای، عبدالرحیم مراد، وزیر آموزش عالی لبنان، پس از تشریح وضعیت